

۱۱۱ - در کتب مقدسه بنی اسرائیل

از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله الاعلی: بنام دانای توانا امروز روزی است که کرسی رب ما بین شعب ندا میکند جمیع ساکنین ارض را و امر مینماید بتسبیح و تقدیس پروردگار امروز روزی است که ملائکه های آسمان باکواب بیان و اباریق عرفان در کل احیان نازل میشوند و بنفحات مقدسه طیبه معطر شده راجع میگردند بگو آله موعود میفرماید ای ملاء یهود شما از من بودید و بمن راجع چه شده که حال مرا نمیشناسید با آنکه بجمیع علامتها ظاهر شده ام دشمنانرا دوست گرفته اید و دوست حقیقی را از دست داده اید امروز آسمان جدید ظاهر شده و ارض جدید گشته اگر بدیده های پاکیزه نظر نمائید اورشلیم جدید را ملاحظه میکنید و اگر بگوشهای شنوا توجه نمائید نداء الله را میشنوید جمیع اشیاء الیوم شما را ندا مینماید و برب دعوت میکند و شما چنان از خمر غرور مستید که در آئی ملتفت آن نشده اید گوش از برای شنیدن ندای من است و چشم از برای مشاهده جمالم بشنوید و از دونم پرهیزید قبه الله بید عنایت الهی مرتفع شده و امر الله ظاهر گشته گذشت زمان آنچه از قبل بود میقات جدید بمیان آمده کل شیئی باراده الله تازه گشت لکن بصر تازه ادراک مینماید و هوش تازه باینمقام پی برد بدایت و نهایت اشاره بیک کلمه مبارکه بود و آن ظاهر شد و آمد و اوست روح کتب و صحف الهی که لم یزل و لا یزال بوده و خواهد بود و او است مفتاح کنز اعظم ربانی و سر مکنون الهی که همیشه خلف سرادق عصمت مخزون بوده او است آن الف و یائی که یوحنا از آن خبر داده انه هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن... مدینه الله بکمال زینت ظاهر و مشهود و این مدینه است که اله کل در آن ظاهر شده درین کلمه یوحنا تفکر کنید که خبر داده از مدینه مقدسه الی ان قال و لم ار فیها هیکلا لان الرب الاله ضابط الكل هو هیکلها و المدینه لا تحتاج للشمس و لا للقمر لینیرا فیها لان بهاء الله اضاء فیها الی آخر قوله

و در لوح خطاب بشیخ نجفی اصفهانی است قوله الاعز یوثیل میفرماید لان یوم الرب عظیم و مخوف جدا فمن یطیقه... ندای ارمیا را بسمع حقیقی بشنو میفرماید اه لان ذلك الیوم عظیم و لیس مثله... نغمه حضرت داود را بشنو که میفرماید من یقودنی الی المدینه المحصنه مدینه محصنه مدینه عکا است... اقرء ما نطق به اشعیا فی کتابه قوله علی جبل عال اصعدی یا مبشره صهیون ارفعی صوتک بقوه یا مبشره اورشلیم ارفعی لا تخافی قولی لمدن یهودا هوذا الهک هوذا السید الرب بقوه یاتی و ذراعه تحکم له... عاموص میفرماید ان الرب یز مجرمین صهیون و یاتی صوته من اورشلیم فتنوح مراعی الرعاة و ییبس رأس الكرمل و کرمل در کتاب الهی بکوم الله و کرم الله نامیده شده کوم تپه را میگویند و اینمقامی است که درین ایام از فضل دارای ظهور خباء مجد بر آن مرتفع گشته... و همچنین میفرماید یاتی الهنا و لا یصمت یا شیخ در این بیان مقصود عالمیان که بعاموص فرموده تفکر نما قوله فاستعد للقاء الهک یا اسرائیل فانه هو الذی صنع الجبال و خلق الريح و اخبر الانسان ما هو فکره الذی یجعل الفجر ظلما و یمشی علی مشارف الارض بهوه اله الجنود اسمه میفرماید فجر را تاریک مینماید مقصود آنکه اگر در حین ظهور مکلم طور نفسی خود را صبح صادق داند بقوت و قدرت الهی تاریک میشود صبح کاذب است و خود را صادق میداند و یل له و ویل لمن اتبعه من دون بینة من الله رب العالمین اشعیا میفرماید بسمو الرب وحده فی ذلك

اليوم ... ادخل الى الصخرة و اختبئ في التراب امام هيبة الرب و من بهاء عظمة ...تفرح البرية و الارض اليابسة و يبتهج القفر و يزهر كالنرجس و يبتهج ابتهاجا و يدفع اليه مجد لبنان بهاء كرمل و شارون هم يرون مجد الرب بهاء الهنا ...قولوا لخائفى القلوب تشددوا و لا تخافوا هو ذا الهكم

و در مفاوضات از حضرت عبدالههء است قوله العزيز بشارتى را كه خدا در دو سه هزار سال پيش از لسان انبياء داده بود ظاهر شد و خداوند بوعده وفا نمود زيرا ببعضى از انبياء وحى فرموده و بشارت بارض مقدس داده كه رب الجنود در تو ظاهر خواهد شد .

و قوله العزيز در اصحاح ١٢ آيه ٦ از كتاب دانيال ميفرمايد و بيكى مرد ملبس شده بكتان كه بالای آبهائ شهر ميايستاد گفت كه انجام اين عجائبات تا بچند ميكشد و آنمرد ملبس شده بكتان را كه بالای آبهائ شهر ميايستاد شنيدم در حالتى كه دست راست و دست چپ خود را بسوى آسمان بلند كرده بحى ابدى سوگند ياد نموده كه براى يكزمان و دو زمان و نصف زمان خواهد بود و چون پراكندگى قوت قوم مقدس بانجام رسد آنگاه همه اين امور باتمام خواهد رسيد ... هر روز آب عبارت از يكسال است و هر سال عبارت از دوازده ماه است پس سه سال و نيم چهل و دو ماه ميشود و چهل و دو ماه هزار و دويست و شصت روز است و هر روزى در كتاب مقدس عبارت از يكسال است ... و بعد در آيه يازدهم ميفرمايد واز هنگام موقوف شدن قربانى دائى و نصب نمودن رجاست ويرانى هزار و دويست و نود روز خواهد بود خوشا بحال آنكه انتظار كشد و بهزار و سيصد و سى و پنج روز برسد بدائت اين تاريخ قمرى از يوم اعلان نبوت حضرت محمد است بر عموم اقليم حجاز و آن سه سال بعد از بعثت بود زيرا در بدائت نبوت حضرت مستور بود كسى جز خديجه و ابن توفل اطلاع نداشت بعد از سه سال اعلان گرديد و جمال مبارك در سنه ١٢٩٠ از اعلان نبوت حضرت محمد اعلان ظهور فرمودند .

و قوله العزيز در آيه ١٣ فصل ٨ از كتاب دانيال ميفرمايد و مقدس متكللى را شنيدم و هم مقدس ديگر را كه از آن متكلم ميپرسيد كه رويائ قربانى دائى و عصيان خراب كننده تا بكى ميرسد و مقام مقدس و لشگر بپايمالى تسليم كرده خواهد شد و بمن گفت كه تا بدو هزار و سيصد شهبانه روز آنگاه مقام مقدس مصفى خواهد گرديد تا آنكه ميفرمايد اين رؤيا نسبت بزمان آخر دارد يعنى اين فلاكت و اين خرابيت و اين حقارت تا كى ميكشد يعنى صبح ظهور كى است پس گفت تا دو هزار و سيصد شهبانه روز آنگاه مقام مقدس مصفى خواهد شد خلاصه مقصد اينجا است كه دو هزار و سيصد سال تعيين ميكند و بنص تورات هر روزى يك سال است پس از تاريخ صدور فرمان ارتحشستا بتجديد بناى بيت المقدس تا يوم ولادت حضرت مسيح ٤٥٦ سال است و از يوم ولادت حضرت مسيح تا يوم ظهور حضرت اعلى ١٨٤٤ سنه است و چون ٤٥٦ سال را ضم برين كنى دو هزار و سيصد سال ميشود يعنى تعبير رويائ دانيال در سنه ١٨٤٤ ميلادى واقع و آن سنه ظهور حضرت اعلى بود ... و حضرت مسيح در اصحاح ٢٤ از انجيل متى آيه ٣ تصريح ميفرمايد كه مقصود از اين اخبار دانيال زمان ظهور است و آن آيه اين است و چون بكوه زيتون نشسته بود شاگردانش در خلوت نزد وى آمده و گفتند بما بگو كه اين امور كى واقع ميشود و نشان آمدن تو و انقضائ عالم چيست از جمله بيانات حضرت مسيح كه در جواب ايشان گفت اين بود پس چون

مکروه ویرانی را که بزبان دانیال نبی گفته شده است در مقام مقدس بر پا شده ببینید هر که خواند در یافت کند انتهی و جواب را حواله باصحاخ ثامن از کتاب دانیال فرمود که هر کس آن اصحاخ را بخواند آن زمان را در یافت خواهد نمود .

و در خطابی از آنحضرت است قوله المتین در خصوص ۲۶ از اصحاخ تاسع سئوال نموده بودید که هر چند آیه ۲۴ معنییش ظاهر شد اما آیه ۲۶ هنوز حقیقتش مجهول ای یار مهربان بدانکه چهار امر نامه از ملوک در تجدید و بنای اورشلیم صادر اول امر کورش است که در ۵۳۶ قبل میلاد صادر کتاب عزرا فصل اول ثانی از داریوش است که در تاریخ ۵۱۹ قبل از میلاد واقع عزرا فصل ششم امر ثالث از ارتحشستا در سنه سابع از حکومتش ۴۵۷ قبل از میلاد عزرا فصل هفتم امر رابع از ارتحشستا ۴۴۴ قبل از میلاد نحمیا فصل ۲ و مراد دانیال امر ثالث است حضرت مسیح سی و سه سال زندگی نمودند چون اینعدد سی و سه را بر ۴۵۷ بیفزائیم ۴۹۰ میشود این هفتاد هفته است تمام ایضاً در آیه ۲۵ نیز هفت هفته و شصت و دو هفته بیان میفرماید و بعد هفته اخیر است که تمام سبعین است که در وسط آن ذبیحه بشهادت حضرت مسیح منتهی شد و تفصیلش این است که دو تاریخ بیان میفرماید یک تاریخ بدایتش صدور امر از ارتحشستا برای عزرا بنای اورشلیم و نهایتش صعود حضرت مسیح و آن هفتاد هفته است^۱ و تاریخ ثانی بدایتش از اتمام و اکمال بنای اورشلیم است تا صعود مسیح شصت و دو هفته و در هفته شصت و سیم که متصل بآن است و در عقب آن صعود مسیح است این هفت هفته مدت بنای تجدید اورشلیم است پس مدت بدایت و تاریخ صدور امر از ارتحشستا نمائی هفتاد هفته میشود^۲ و چون بدایت تاریخ را صدور امر ارتاکزرس اورشلیم گیری شصت و دو هفته شود و در هفته شصت و سه در وسط آن ذبیحه بشهادت منتهی شد .

^۱ در خطابی چنین مسطور بدایتش صدور امر ارتاکزرس بتجدید بنای اورشلیم

^۲ و در خطابی است پس چون بدایت تاریخ را صدور امر ارتاکزرس هفتاد هفته میشود